



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

تفسیر لباس ابو سفیان و معاویہ

محمد جواد شیخ الاسلامی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تغییر لباس معاویہ و ابوسفیان

نویسنده:

محمد جواد شیخ الاسلامی

ناشر چاپی:

موسسه آموزشی تالیفی ارشدان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	تغییر لباس معاویه و ابوسفیان
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۹	مقدمه
۱۰	تغییر لباس ابوسفیان و معاویه
۱۳	پس از شکست کفار در جنگ بدر
۱۵	زنا نکنید
۲۰	معاویه پس از بدست گرفتن حکومت
۲۴	منابع
۲۶	درباره مرکز

سرشناسه : شیخ الاسلامی، محمدجواد، 1352-

عنوان قراردادی : معاویه از دیدگاه امام علی علیه السلام (شخصیت و عملکرد). برگزیده

عنوان و نام پدیدآور : تغییر لباس معاویه و ابوسفیان/محمدجواد شیخ الاسلامی.

مشخصات نشر : تهران: موسسه آموزشی تالیفی ارشدان، 1399.

مشخصات ظاهری : 18 ص.؛ 17×11 س م.

شابک : 7-275292-622-978

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : کتاب حاضر اقتباسی از کتاب "معاویه از دیدگاه امام علی علیه السلام (شخصیت و عملکرد)" تالیف موسی امینی برای نوجوانان است.

یادداشت : کتابنامه.

عنوان دیگر : معاویه از دیدگاه امام علی علیه السلام (شخصیت و عملکرد).

موضوع : معاویه بن ابی سفیان. خلیفه اموی، 20 قبل از هجرت - 60ق.

موضوع : امینی، موسی، 1358 - معاویه از دیدگاه امام علی علیه السلام (شخصیت و عملکرد) -- اقتباس ها

رده بندی کنگره : DS38/5

رده بندی دیویی : [ج]953/02

شماره کتابشناسی ملی : 7343376

وضعیت رکورد : فیا

ص: 1

اشاره

بنام خداوند بخشنده مهربان

تغییر لباس ابوسفیان و معاویه

محمد جواد شیخ الاسلامی

1399

موسسه آموزشی تالیفی ارشدان

ص: 2

موسسه آموزشی تالیفی ارشدان

نام کتاب: تغییر لباس معاویه و ابوسفیان

گردآوری و تالیف: محمد جواد شیخ الاسلامی

ناشر: آموزشی تالیفی ارشدان

ویرایش: اول

نوبت چاپ: اول 99

شابک: 978-622-275292-7

شابک الکترونیک: 978-622-275468-6

شمارگان: 1000

قیمت: 10000 تومان

ص: 3

این کتاب جهت استفاده نوجوانان از کتاب معاویه از دیدگاه امام علی (ع) نوشته جناب آقای موسی امینی اقتباس گردیده است . از آنجا که کتاب از زبان ابوسفیان نوشته شده است لذا نام

مبارک پیامبر اسلام (ص) و حضرت علی (ع) و سایر صحابه بدون القاب ذکر شده است .

این کتاب در دو جلد نگارش شده است . در این اقتباس سعی شده تا حد امکان ساده سازی و خلاصه نویسی جهت استفاده نوجوانان صورت گیرد و وقایع به ترتیب وقوع ذکر گردند .

ص: 4

تغییر لباسی ابوسفیان و معاویه

نام من ابوسفیان است . تا چندی پیش یکی از بزرگان و ثروتمندان مکه و رئیس قبیله قریش بودم . به شغل بازرگانی مشغول بودم و از برکت وجود بتها و خانه کعبه زندگی بسیار خوبی داشتم تا اینکه محمد ادعای پیامبری کرد .

من و محمد هر دو از قبیله قریش بودیم . بگذارید اصل و ریشه خانوادگیم را برای شما توضیح دهم .



در روزگاران دور فردی به نام عبدالمناف دو پسر به نام های هاشم و عبدالممنان داشت . هاشم و عبدالممنان در هنگام تولد از پیشانی به هم چسبیده بودند و به ناچار آنها را با شمشیر

از هم جدا کردند و این سخن بر سر زبانها افتاد که بین آن دو تا ابد شمشیر حکمفرما خواهد بود . (1)



عبدالشمس غلامی زیرک و باهوش به نام امیه داشت که او را به فرزندگی قبول کرد. (2)

امیه پیوسته با هاشم عموی خود در حال نزاع بود. امیه پسری به نام حرب داشت. حرب نیز پیوسته با فرزندان هاشم در حال نزاع و درگیری بود. (3) و من ابو سفیان پسر حرب هستم مرد قدرتمند و ثروتمند عرب و قریش. حرب دختری به نام ام جمیل داشت

که همسر ابوالهب عموی پیا مبر بود. خدای محمد، ام جمیل را در قران هیزم کش جهنم خطاب کرد. (4)

زیرا ابوالهب و ام جمیل از هیچ آزاری در حق محمد کوتاهی نمی کردند.





در جنگ بدر، من کفار را همراهی نکردم و کفار از مسلمانان شکست خوردند. (5)

قبل از آغاز جنگ بدر، محمد برای قریشیان حاضر در سپاه کفار پیغام فرستاد و از قریشیان خواست که از جنگ با مسلمانان صرف نظر کنند و نبرد با مسلمانان را به سایر قبایل کفار بسپارند. (6)

عتبه پدر زعم این نظر محمد را قبول کرد و گفت اگر با مسلمانان بجنگیم و از مهاجران بکشیم هر گاه در مکه راه برویم مردم مکه ما را به چشم قاتل اقوام خود نگاه خواهند کرد.

کفار عتبه را به جنگ وادار کردند و عتبه و پسرش و برادرش بوسيله ء علی و حمزه کشته شدند.

نقل شده است که بیست و دو نفر از هفتاد و پنج کشته سپاه کفار در جنگ بدر بوسیله علی ابن ابیطالب کشته شدند و یکی از دلایل کینه ء کفار از علی همین مسئله است. (7)



پس از شکست کفار در جنگ بدر

پس از شکست کفار در جنگ بدر من و زلم همواره به فکر انتقام از مسلمانان بودیم .



یکسال بعد ، لشکر کفار برای جنگ به سمت مدینه حرکت کرد و اینگونه بود که جنگ احد به وقوع پیوست .(8)

حمزه بوسیله وحشی غلام سیاه پوستی که زلم هند اجیر کرده بود کشته شد و در این جنگ هفتاد نفر از مسلمانان کشته شدند و اگر جانفشانی علی نبود محمد نیز کشته می شد .

بعد از پایان جنگ هند سینه ء حمزه را شکافت و جگرش را از سینه بیرون آورد و به دندان کشید . و چه با شکوه بود وقتی هند بر روی تخته سنگی رفت و اشعاری را در وصف پیروزی کفار خواند .(9)



تصویر



ص: 8

بعد از قدرت گرفتن اسلام و افزایش تعداد مسلمانان من و کفار مجبور شدیم با محمد و مسلمانان پیمان صلح حدیبیه را امضا کنیم . محمد برخلاف مردان آن روزگار که با زنان متعدد ازدواج می کردند تا سن پنجاه سالگی با تنها همسرش خدیجه زندگی کرد . بعد از مرگ خدیجه ، محمد به دلایل مختلف و از جمله پناه دادن به زنان بی سرپرست مسلمان و یا آزاد کردن زنان از اسارت و یا ترغیب قبایل به اسلام ، با چندین زن ازدواج کرد . (10)

یکی از زنان محمد ، دخترم ام حبیبه بود . کفار چندین بار پیمان صلح حدیبیه را نقض کردند و من به ناچار به مدینه و ملاقات محمد رفتم تا پیمان صلح حدیبیه را تمدید کنم .



وقتی به مدینه رسیدم ابتدا به خانه ء دخترم ام حبیبه رفتم و خواستم بنشینم اما ام حبیبه فرش را از زیر پای من کشید . من که از این کار دخترم ناراحت شده بودم گفتم : دخترم چرا فرش را

از زیر پای من جمع کردی ؟

ام حبیبه گفت : این فرش پیامبر است و تو مرد مشرک و پلیدی هستی و نباید آنرا آلوده کنی ؟

من برآشفتم و گفتم : ای دختر ببین با دوری از من چگونه منحرف شده ای ؟

ام حبیبه گفت : من منحرف نشده ام بلکه خداوند مرا به راه راست هدایت کرده است . (11)

پس از فتح مکه بوسیله مسلمانان ، من از ترس کشته شدن بوسیله مسلمانان وبا واسطه کردن عباس عموی پیامبر به ناچار واز روی بی میلی شهادتین گفتم و به شکل ظاهری مسلمان شدم .



محمد خطاب به من و تعدادی از قریش که تازه مسلمان شده بودیم گفت: بروید شما آزاد هستید. (12)

پسرم معاویه مرا به خاطر مسلمان شدن سرزنش می کرد و از مکه فرار کرد. (13)



زنا نکنید

زنم هند نیز به ناچار واز ترس مرگ برای بیعت به نزد پیامبر آمد . پیامبر او را بخشید . هند گفت من به چه چیز با تو بیعت کنم ؟ پیامبر گفت : به اینکه زنا نکنید . (14)

اری همه از انحراف زنم و خانواده ام خبر داشتند .

معاویه پنج ماه قبل از رحلت پیامبر به ناچار عباس عموی پیامبر را واسطه قرار داد تا پیامبر او را ببخشد . پیامبر هم که از روح بالا و مهربانی برخوردار بود و هدفش هدایت انسانها بود او را بخشید . (15)

من از پیامبر خواهش کردم که من و پسرم را به کاری بگمارد تا تنفر مسلمانان نسبت به من رفته رفته کاسته شود . (16)

به در خواست من و با شفاعت عباس ، معاویه به عنوان کاتب نامه های پیامبر پذیرفته شد . در آن زمان افراد با سواد کم بودند و داشتن سواد برای من و معاویه امتیاز بزرگی بود .

وبه این ترتیب معاویه نامه های پیامبر به پادشاهان و سران قبایل را می نوشت و برای جمع آوری صدقات نامه نگاری می کرد و منشی پیامبر بود و من گاهی مامور جمع آوری صدقات می شدم. (17)

ص: 10



قبل از معاویه دو نفر دیگر کا تب پیامبر بودند که هر دو مرتد و مشرک شده بودند و پیامبر دستور مرگ آن دو را دادند . (18)
اما پسر معاویه زیرک تر از آن بود که به سرنوشت آن دو دچار شود.

پیامبر در آخرین حج خود و در غدیر خم علی را به عنوان برادر و امام و وصی و جانشین خود انتخاب کرد .



بعد از وفات پیامبر گروهی از صحابه ابوبکر را به عنوان خلیفه انتخاب نمودند .

غیرت قبیله ای و عربی من اجازه نمی داد که فردی از پایین ترین قبایل قریش به حکومت برسد و بنی امیه و بنی هاشم از قدرت محروم باشند . من سر به مخالفت برداشتم و به نزد علی رفتم و خواستار بیعت با علی شدم .

وقتی وارد خانه علی شدم با صدای بلند اشعاری به این مضمون خواندم : ای فرزندان هاشم سکوت را بشکنید تا مردم به حق مسلم شما چشم طمع ندوزند . خلافت مربوط به شماست و جز شما کسی شایسته خلافت نیست .

اما علی باهوش تر از آن بود که فریب مرا بخورد . او رو به من کرد و گفت : تو در پیکاری هستی که ما نیستیم توجز فتنه و آشوب هدف دیگری نداری ، تو مدت‌ها بدخواه اسلام بودی مرا به نصیحت و کمک تو نیازی نیست . (19)



من می خواستم اختلاف بیندازم و حکومت کنم اما موفق نشدم . حالا به ناچار به سوی حکومت روی آوردم . (20)

علی بعد از ماجرای رفتن من به خانه اش گفت : این گونه زمامداری چون آبی بد مزه و لقمه ای گلوگیر است و آن کس که میوه را کال و نارس بچیند ، مانند کشاورزی است که در زمین دیگری بکارد . (21)

محمد آخرین پیامبر خدا و علی به گفته پیامبر تعیین شده از سوی خدا و امام و راهنمای مردم در مسایل دینی بود .

حالا- که علی به من و خواسته ام بی اعتنایی کرد من و دوستانم این حرف را در بین مردم شایع کردیم که اگر علی امام و تعیین شده خداست پس چرا پیشنهاد خلافت را نپذیرفت ؟

چون علی پیشنهاد خلافت را نپذیرفت و در برابر خلافت صحابه پیامبر اعتراض نکرد پس علی امام و تعیین شده خدا نیست .



دوستان علی خلافت را جدا از امامت می دانستند و می گفتند که علی بوسیله خدا به امامت برگزیده شده است و اینکه مردم و صحابه ، علی را به عنوان خلیفه انتخاب ننموده اند دلیل بر امام نبودن علی نیست .

من دریافتم که علی چه قدر به نظر مردم و دموکراسی اهمیت می دهد که با وجود آنکه از همه کس شایسته تر برای خلافت بود به نظر صحابه احترام گذاشت و برای جلوگیری از اختلاف بین مسلمانان و جلوگیری از ریخته شدن خون مسلمانان سکوت اختیار کرد .



من مرد قدرتمند و با نفوذی بودم و سر سازگاری با حکومت را نداشتم .

برای ساکت شدن من می بایست امتیازی به من داده می شد . اما من بد نام تر از آن بودم که در حکومت مسلمین منصب و مقامی داشته باشم و شاید بهتر بود به فرزندانم مقامی اعطا می شد . (22)

در سال سیزده هجری قمری و در زمان خلیفه اول ، پسر بزرگم یزید به فرماندهی لشگری از مسلمانان برای فتح شام برگزیده شد و معاویه نیز زیر نظر برادرش در جنگ شرکت کرد . (23)

پس از فتح شام پسرم یزید به حکومت دمشق برگزیده شد و فرماندهی لشگر آن منطقه نیز به او سپرده شد .



یزید بن ابوسفیان

در سال هجده هجری قمری پسرم یزید به بیماری طاعون گرفتار شد و به جای خود برادرش معاویه را برای حکومت و فرماندهی لشگر شام پیشنهاد کرد . با موافقت خلیفه دوم ، حکومت شام به معاویه سپرده شد . چرا که معاویه فرزند یکی از قدرتمند ترین و با نفوذ ترین مردان آن زمان بود . (24)



معاویه پس از بدست گرفتن حکومت

معاویه پس از بدست گرفتن حکومت، به تدریج راه تجمل و ثروت اندوزی را پیش گرفت معاویه در پاسخ کسانی که او را بخاطر تجمل گرایی و ثروت اندوزی سرزنش می کردند با زیرکی جواب می داد: شام قلمرو حکومت من نزدیک سرزمین دشمن می باشد و جاسوسان دشمن همیشه ما را زیر نظر دارند، پس لازم است در برابر چشم آنها حکومتی قوی با کاخی زیبا و پر تجمل داشته باشیم. (25)



من و هند همواره معاویه را نصیحت می کردیم تا به گونه ای عمل نکند که موجب خشم خلیفه دوم بشود. (26)

در زمان خلیفه سوم، فلسطین و اردن و لبنان یعنی تمام سرزمین شام به معاویه سپرده شد.

معاویه نیروی نظامی قدرتمندی در شام ایجاد کرد زیرا وضعیت شام به شکلی بود که می بایست برای دفاع از سرزمین های اسلامی که مجاور با حکومت های دشمن مانند امپراطوری روم بودند نیروی نظامی و لشگریان قوی در آنجا مستقر می شدند. در این سالها لشگریان معاویه قویترین سپاهیان سرزمین های اسلامی بودند. (27)



من و معاویه برای رفع بد نامی و عیوب خاندان بنی امیه با دادن پول و استخدام بعضی از راویان حدیث شروع به ساخت احادیث جعلی کردیم . ما پول می دادیم و در مقابل راویان ، احادیثی را که ما می گفتیم به نام پیامبر در بین مسلمانان نقل می کردند و حوادث وقایع تاریخی و احکام دینی را آن گونه که ما می خواستیم بازگو می کردند. (28)



ما تصمیم گرفتیم که عنوان خال المومنین را به معاویه بدهیم . خال المومنین یعنی دایی مومنان . از آنجا که دختر ام حبیبه یکی از همسران پیامبر بود پس معاویه هم که برادر ام حبیبه است دایی مومنان لقب گرفت و باید از این پس نام معاویه در بین مسلمانان با احترام ذکر شود و مسلمانان او را مردی متقی و با قداست بدانند و جنایات من و معاویه و هند به مرور از ذهن مسلمانان پاک شود. (29)

راویان حدیث به سرعت لقب خال المومنین را در بین مسلمانان نقل کردند .



اگر چه برای بعضی از مسلمانان این سوال پیش می آمد که عایشه هم همسر پیامبر بوده است پس چرا به محمد بن ابوبکر برادر عایشه ، لقب خال المومنین داده نشده است . (30)

عنوان دیگری که برای معاویه در نظر گرفتیم ، کاتب وحی و نویسندگی آیات نازل شده قران بر پیامبر بود . در حالی که همه می دانستیم که معاویه در اواخر عمر پیامبر و در سال دهم هجری و آن هم از روی اجبار مسلمان شد . و پس از مسلمان شدن منشی و نویسنده نامه های پیامبر و کاتب صدقات بوده است نه کاتب وحی و نویسنده قران . (31)



برای آنکه مقام معاویه را بالاتر ببریم گفتیم که هنگامی که آیه الکرسی بوسیله وحی بر پیامبر نازل شد معاویه آیه الکرسی را با قلمی طلایی که جبریل از عرش برای او آورده بود ، نوشت . (32)

این گفته به سرعت بین مسلمانان دهن به دهن پخش شد .



پیامبر قبل از وفات در خواب دید که فرزندان من به شکل میمونهایی از منبر او بالا و پایین می روند و حالا خواب پیامبر در حال وقوع بود و من و فرزندانم رفته رفته حکومت را به دست می گرفتیم و با احادیث و روایات جعلی که از بالای منبرها برای مردم می خواندیم مانند موریانه به جان محمد افتاده بودیم .

در آیه 60 سوره اسراء خداوند به رویای پیامبر اشاره کرده است و کلمه شجره ۶ ملعونه را برای وصف میمون هایی که از منبر پیامبر بالا می روند بکار برده بود . (33)



در همین دوران ، روزی از روزها شتر مرگ در خانه ۶ من زانو زد و مرا که پیر مردی ضعیف و بیمار بودم با خود به درون گور برد .



از اینجا به بعد باید باقی ماجرا را از زبان معاویه و در جلد بعدی کتاب بخوانید .

- 1- صفحه 174 کتاب معاویه از دید گاه امام علی (ع) نوشته ء موسی امینی
- 2- صفحه 175 کتاب معاویه از دید گاه امام علی (ع) نوشته ء موسی امینی
- 3- صفحه 177 کتاب معاویه از دید گاه امام علی (ع) نوشته ء موسی امینی
- 4- صفحه 178 کتاب معاویه از دید گاه امام علی (ع) نوشته ء موسی امینی
- 5- صفحه 47 کتاب معاویه از دید گاه امام علی (ع) نوشته ء موسی امینی
- 6- صفحه 69 کتاب حمزه سید الشهداء نوشته محمد صادق نجمی
- 7- صفحه 81 کتاب حمزه سید الشهداء نوشته محمد صادق نجمی
- 8- صفحه 49 کتاب معاویه از دید گاه امام علی (ع) نوشته ء موسی امینی
- 9- صفحه 44 کتاب معاویه از دید گاه امام علی (ع) نوشته ء موسی امینی
- 10- صفحه 77 و 82 و 49 کتاب معاویه از دید گاه امام علی (ع) نوشته ء موسی امینی
- 11- صفحه 49 و 50 کتاب معاویه از دید گاه امام علی (ع) نوشته ء موسی امینی
- 12- صفحه 51 کتاب معاویه از دید گاه امام علی (ع) نوشته ء موسی امینی
- 13- صفحه 56 و 57 کتاب معاویه از دید گاه امام علی (ع) نوشته ء موسی امینی
- 14- صفحه 38 و 39 کتاب معاویه از دید گاه امام علی (ع) نوشته ء موسی امینی
- 15- صفحه 84 کتاب معاویه از دید گاه امام علی (ع) نوشته ء موسی امینی
- 16- صفحه 85 کتاب معاویه از دید گاه امام علی (ع) نوشته ء موسی امینی
- 17- صفحه 84 الی 86 کتاب معاویه از دید گاه امام علی (ع) نوشته ء موسی امینی
- 18- صفحه 90 و 91 کتاب معاویه از دید گاه امام علی (ع) نوشته ء موسی امینی
- 19- صفحه 98 و 99 کتاب معاویه از دید گاه امام علی (ع) نوشته ء موسی امینی
- 20- صفحه 100 کتاب معاویه از دید گاه امام علی (ع) نوشته ء موسی امینی

- 21 - صفحه 99 کتاب معاویه از دید گاه امام علی (ع) نوشته ء موسی امینی
- 22 - صفحه 100 و 101 کتاب معاویه از دید گاه امام علی (ع) نوشته ء موسی امینی
- 23 - صفحه 101 کتاب معاویه از دید گاه امام علی (ع) نوشته ء موسی امینی
- 24 - صفحه 103 کتاب معاویه از دید گاه امام علی (ع) نوشته ء موسی امینی
- 25 - صفحه 113 کتاب معاویه از دید گاه امام علی (ع) نوشته ء موسی امینی
- 26 - صفحه 118 کتاب معاویه از دید گاه امام علی (ع) نوشته ء موسی امینی
- 27 - صفحه 119 و 123 و 124 کتاب معاویه از دید گاه امام علی (ع) نوشته ء موسی امینی
- 28 - صفحه 78 کتاب معاویه از دید گاه امام علی (ع) نوشته ء موسی امینی
- 29 - صفحه 77 و 78 کتاب معاویه از دید گاه امام علی (ع) نوشته ء موسی امینی
- 30 - صفحه 78 کتاب معاویه از دید گاه امام علی (ع) نوشته ء موسی امینی
- 31 - صفحه 84 الی 87 کتاب معاویه از دید گاه امام علی (ع) نوشته ء موسی امینی
- 32 - صفحه 90 کتاب معاویه از دید گاه امام علی (ع) نوشته ء موسی امینی
- 33 - صفحه 18 و 65 کتاب معاویه از دید گاه امام علی (ع) نوشته ء موسی امینی

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

